

پول و پرسشهای جدید فقهی



فقه شیعه با همه تواناییها، داراییها و ژرفایی، اکنون مرحله‌ای دشوار و سرنوشت‌ساز را سپری می‌کند. دوره گذر از «قانون‌نگاری» از «ذهنی‌مداری» به «عینی‌گرایی» از پیروی به اداره و قدرت و خلاصه از فقه مغلوب به فقه غالب. کامروایی و ناکامی در عبور از این مرحله مهم و تاریخی، بسته به مسئولیت‌شناسی

فقه شیعه با همه تواناییها، داراییها و ژرفایی، اکنون مرحله‌ای دشوار و سرنوشت‌ساز را سپری می‌کند. دوره گذر از «قانون‌نگاری» از «ذهنی‌مداری» به «عینی‌گرایی» از پیروی به اداره و قدرت و خلاصه از فقه مغلوب به فقه غالب. کامروایی و ناکامی در عبور از این مرحله مهم و تاریخی، بسته به مسئولیت‌شناسی و انجام تکالیف فقیهان معاصر است. اگر این گنجینه پر مایه، به روز بررسی و نقد نشود و داده‌ها و تواناییهای آن نیازهای حقوقی، قانونی، اقتصادی و اجتماعی را پاسخ نگوید، افزون بر آفاق زندگی فردی، در عرصه اجتماعی و نظام پردازی، حضور جدی پیدا نکند، آن هم در قالبی منطقی و بیانی عصری، فقیهان، پاس‌سالت‌خوبش نداشته و حوزه‌های فقه‌ای از انبوه میراث شیعه حراست در خور نکرده‌اند؛ چه نگاهی از فقه و تعالیم اهل بیت(ع) به حضور جدی آن در متن زندگی فردی و اجتماعی است. سوگمندانه با گذشت نزدیک به دو دهه از انقلاب اسلامی، جای حوزویان در کرسیها، لجنه‌ها و عرصه‌های جدی و فنی، فلسفی، کلامی اقتصادی و حتی حقوقی و قضایی خالی است. حوزها، دانشی مردانی زبردست، فهیم، بصیر و آگاه به مناسبات عصر و نیازهای روز و توانا بر پاسخ‌دهی به پرسشها و شبهات، نیروبرند. یکی از حوزه‌های فقه، بیان رابطه اسلامی الهی انسان با اشیاء مادی، اسلوب حاکم بر داد و ستد، تولید و توزیع و گردش ثروت است که در روزگار ما، علم اقتصاد و رشته‌های وابسته، عهده‌دار تبیین آن است. امروز دهها مکتب و نظریه اقتصادی در این زمینه، پدید آمده و صدها کتاب در بیشتر زمینه‌های آن، نوشته شده است. امروز اقتصاد و معیشت، چه درست و چه نادرست، حرفاؤل را می‌زند. در چنین دنیایی، اگر جمهوری اسلامی معاش را سامان ندهد، در استقرار معادباوری، ناکام خواهد ماند. اگر نظام اسلامی، برنامه‌های اقتصادی و روش معیشتی سالم، انسانی و بر پایه عدالت اسلامی، پی‌نریزد، در رساندن رحمت جهانی دین خاتم و ابعاد معنوی دین به وجدانهای بیدار دنیا، ناتوان مانده و فلسفه وجودی خویش را پاس نداشته است. تدوین نظام اقتصاد اسلام، بیان احکام و قوانین حاکم بر روابط اقتصادی و مناسبات اجتماعی، آیا جز از متولیان تولید و نشر اندیشه اسلامی و حوزه‌های علوم دینی، انتظار می‌رود، همانانی که دژ استوار دین و مبین حلال و حرام احکام هستند: «الفقهاء حصون الاسلام».

آیا با گذشت این همه سال و دست‌یابی به چنین مہینفرستی و نعمت جمهوری اسلامی، باید هنوز فقه ما از فردنگری، تک‌ساحتی، ظاهر بسندگی و بی‌توجهی به گزاره‌های نو زندگی، رنج برد. اگر در این کشور، نظام معیشتی سالم و دینی پیاده نشود، گناه آن بر عهده چه کسانی است. جز فقیهان و امیران: «صفا من امتی اذا صلحا، صلح امتی...الفقهاء و الامراء». اگر بانکداری حل نشود و زندگی مردم، آلوده به ربا و شبهه گردد، و بال آن بر کسانی است که درگیر گشایش مشکلات روزمره مردم و حراست جمهوری اسلامی از افتادن به تورهای ناپیدا و پیچیده استکبار جهانی است؟ یا بخش بزرگی از این کاستی، بر عهده متولیان بیان موازین و احکام دینی است؟ سوگمندانه با وجود پیدایی علم اقتصاد و رشته‌های مختلفی در آن و پیدایی مکاتب گوناگون اقتصادی و تدوین و نشر صدها کتاب تنها در مساله پول و بانکداری در خارج از دارالاسلام، از حوزه‌های شیعه جز اندک‌شماری از کتابهای اقتصادی به زبان روز، چیزی عرضه نشده است.

این نشریه که دغدغه اصلی آن همسوسازی میراث فقهی بنیادین نوپیدای فکری و اجتماعی در دایره فقه و فقهات است، در برخی شماره‌ها، گام‌هایی ناچیز در این راه بر داشته است و مقولاتی را در زمینه مسائل نوپیدای فقهی عرضه کرده است، از جمله: ذبح با دستگاههای ماشینی، وجوهات شرعی در نظام اسلامی، اجازه ولی امر در فضا، اقسام دیه و چگونگی پرداخت آن در روزگار ما، مساله پول و تورم و... را به بوته نقد و بررسی، نهاده است. در این شماره و شماره‌های آینده، مسائل نوپیدای اقتصادی، مانند: پول در فقه اسلامی را در نگاه فقه‌پژوهان و مجتهدان معظم، می‌آوریم تا آغازی باشد برای گامهای آینده.

از مقوله‌های نوپیدا و مساله آفرین در حوزه اقتصاد و سیستم‌معیشتی مردم، گزاره پول است. پول در همه زوایای زندگی فردی و اجتماعی انسان امروز، نفوذ کرده و کارکرد و نقش بسیار پیچیده و گسترده‌ای بخود گرفته است. در نقش و جایگاه اجتماعی آن، دانشوران علوم اجتماعی و اقتصادی گفته‌اند: «انسان اشرف مخلوقات است و پول اشرف آفریده‌های انسان». پول شمشیر دو دمی است، می‌توان با برنامه‌ریزی واقع بینانه، عادلانه و انسانی، بهروزی بشر را تامین کرد و دین را در دنیا گسترده و می‌توان با سیاستهای ناعادلانه پولی، بی‌اعتنایی به نقش آن، طغیان، تباهی و سیه‌روزی را برای بشر ارمغان آورد. امروز دیگر پول، وسیله مبادله، آن هم با تلقی گذشته، نیست. نقش آن در معیار ارزش، وسیله ذخیره ارزش، تهییج‌گر متغیرهای اقتصادی مانند سطح تولیدات، فعالیت‌های اقتصادی و روش توزیع، خلاصه نمی‌شود، بلکه پول، ابزار سلطه سیاسی و عامل توسعه اقتصادی است و باعث تحرك، و یا رکود جامعه.

پول و سیاستهای پولی درست، ابزار کارایی برای کنترل‌تورم و تحرك و جنبش اقتصادی است. افزایش حجم آن تورم‌آور است و تقلیل آن عامل رکود و ایستایی. پول بر اساس کارکردهای خود، تقسیم‌هایی پیدا کرده و عناوین گوناگونی یافته است، مانند، پول تحریری، پول فلزی، پول کاغذی، پول ثابت، پول بی‌طرف، پول مواج، پول سوزان، پول بانکی و... عالمان شریعت که وظیفه روشننگری احکام اسلامی را عهده دارند، نمی‌توانند این همه را نادیده انگارند و از کنار آن بگذرند؛ زیرا گزینش هر کدام از این دیدگاهها، پرسشهای خاصی خود را فرا روی فقیه، خواهد گشود که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

1. پول مال است یا کالا؟ اعتباری است یا حقیقی؟ مثلست یا قیمی؟ 2. آیا پولی که در جوامع امروز رواج دارد، وزان همان درهم و دینار عصر نزول و تشریح است؟ 3. آیا پول در شمار معدودات است، تا بنا بر فتوای برخی فقیهان زیادی، در آن جایز باشد و آیا هر زیادی ریاست؟ فلسفه تحریم ربا در اجرای کدام يك از دیدگاهها و سیاستهای پولی، بروز می‌کند. 4. از اقسام چند گانه پول، کدام پول معامله‌اش ربوی است، آیا همه پولها با همه تفسیرها و نظرگاهها؟ 5. آیا نقش پول در بازار معاملی و بازار پولی تفاوت نمی‌کند و حکم او در هر کدام از آن دو، متفاوت نیست. 6. بر فتوای مشهور در مضاربه، سرمایه باید دینار و درهم باشد. آیا اسکناس می‌تواند جایگزین آن شود؟ 7. آیا زکات که بر دینار بار می‌شود، اسکناس و سکه‌های امروزی را در بر می‌گیرد؟ 8. آیا خرید و فروش اسکناس صحیح است و احکام ربای معاملی در آن جاری نیست؟ 9. سیاستهای پولی دولت، گاهی موجب کاهش قدرت خرید پول می‌شود. آیا این اقدام دولت در همه موارد جایز است، یا در صورت وجود مصلحت اجتماعی و ضرورت، مجاز

خواهد بود. اگر دولت چنین کاری کرد، نسبت به پولهای سپرده به تناسب کاهش قدرت خرید، مدیون نیست؟ 10. اگر کسی مبلغی را به مدت يك سال به دیگری قرض بدهد، سیاستهای پولی دولت یا تورم، قدرت خرید پول را به طور متعارف پایین آورد. آیا حق مطالبه ما به التفاوت آن را دارد؟ 11. اگر پایین آمدن قدرت خرید، برخاسته از تورم اقتصادی فاحش بود، چطور؟ 12. در صورت تورم، اگر کسی خمس سرمایه خود را پرداخت، با گذشت يك سال مقدار پول آن بالا رفت، ولی قدرت خرید پول پایین آمد، مثلاً دارایی امسال او، يك میلیون و سیصد هزار تومان است، معادل قدرت خرید يك میلیون سال گذشته او، که خمس آن را پرداخته است، آیا بر پول مازاد، خمس بار می‌شود و مشمول ربح است؟ 13. اگر کسی مال خود را مخمس و پول آن را دست گردان کرد، آیا در پایان سال با این که قدرت خرید پول به طور چشم‌گیری پایین آمده، همان مبلغ دست گردان شده را بدهکار است؟ 14. اگر قدرت خرید پول افزایش یافت و شماره پول‌ها مساوی سال گذشته بود، آیا بر مازاد قدرت خرید، خمس بار می‌شود، مثلاً يك میلیون سال گذشته قدرت خرید يك و نیم میلیون را پیدا کرده است؟ 15. آیا اگر اسکناس اعتباری باشد و نماینده قدرت خرید، یا کار متراکم، قاعده اتلاف بر آن بار می‌شود و با کم شدن اسکناسهای می‌توان طرف را مدیون و از او پول را طلب کرد و گفت به همان مبلغ کم شده میزان قدرت خرید صاحب پول را از بین برده است، یا این که در حکم، حواله انبار است؟ 16. آیا با غصب اسکناسهای اعتباری، غصب حقیقی پدید می‌آید؛ یعنی قدرت خرید مغضوب عنه، گرفته شده و آیا در زمان غصب که قدرت خرید اسکناس کاهش می‌یابد، غاصب همان مقدار اسکناسها را باید بپردازد و نسبت به ما به التفاوت برابری قدرت خرید، مدیون نیست؟ 17. بدهکاری که در ادای دین خود تاخیر کرده و در مدت تاخیر تورم افزایش یافته است، اگر پول را نماینده قدرت خرید بدانیم و وجه استقلالی به آن ندهیم، بدهکار باید بدهی را با ما به التفاوت، تا سقف قدرت خرید زمان پرداخت دین بپردازد؛ چه این بدهکاری از باب ضمان امری، ضمان قهری و یا معاوضی باشد. این مبلغ می‌تواند عین بدهی او تلقی شود، نه خسارت. 18. اگر بگوییم اقسام شنش‌گانه دیه را می‌توان پولی کرد و معادل قدرت خرید آن اقسام را اسکناس داد آیا چنانچه بزهکار در پرداخت دیه تاخیر کند، عامل آن هر چه باشد، باید متوازن قدرت خرید بپردازد؟ 19. آیا اگر به پول و اسکناس با دید استقلالی نگاه شود در پرداخت مبلغ مهر زن، پس از سالها و کاهش فاحش توان پول، چه باید کرد؟ 20. همین پرسشها با توجه به دیدگاههای گوناگون در خیار عین، تنزل قیمت پول پیش از تسلیم ثمن و دهها موارد دیگر در فقه، مطرح است که ظرایف آن از دید فقیه نباید، دور بماند.

خلاصه، پول بر اساس تفسیرها، تعبیرها، گونه‌ها، نظریه‌های پولی، چگونگی سیاستهای پولی، تورم جامعه از سه نگاه اقتصادی، حقوقی و فقهی، پرسشها، گفته‌ها و نتایج گوناگونی را در پی دارد که فهم و تفکیک و شناخت آنها، هم برای فقیهان و مجتهدان، بایسته است و مؤثر در نظریه و فتوا، و هم فهم ضوابط شریعت در این زمینه برای مجریان و متولیان جامعه لازم است و کارگشا. بی‌شک، در این مقوله جستارهای بسیاری است که تخصصها و دانشهای ویژه خود را می‌طلبد که این مقال را مجال و نگارنده را توان طرح آن نیست.

عبدالرضا ایزدیناه

فقه اهل بیت فارسی، شماره 7، ص 3